

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: شبگیر حسنی

فرستنده: علی مشرف

۰۹ فبروری ۲۰۲۱

تئوری امپریالیسم و تغییرات آن در قرن بیست و یکم

بخش نخست-۲

انحصارات چندملیتی و کسموپولیتیسیم (جهان وطنی)

اگر ناسیونالیسم و شوونیسم به عنوان ایدئولوژی بورژوازی در کشورهای امپریالیستی، در خدمت توسعه طلبی امپریالیستی هستند، روی دیگر سکه کسموپولیتیسیم (جهان وطنی) است. پدید آمدن و گسترش انحصارات چند ملیتی و تلاش آن ها برای اکتساب سودهای انحصاری هنگامت باعث می شود بکوشند تا زیر نظارت سیاسی دولت ها نباشند. این غول ها در پی کسب سودهای افسانه ای مرزهای ملی را درمی نوردند، منابع طبیعی و زیست محیطی کشورها را قربانی سودهای خویش می کنند و در صورت نیاز دست به کودتا و مداخله سیاسی در کشورهای مختلف می زنند. برای اینان مرزهای ملی وجود ندارند و جهانی بدون مرز را برای صدور سرمایه و استفاده از بازار، نیروی کار ارزان و مواد خام طلب می کنند. بدیهی است که این نوع از جهان وطنی، با انترناسیونالیسم مترقی پرولتری در تعارض قطعی است. اگر کسموپولیتیسیم خواهان انتگراسیون و یکسان سازی بر اساس منافع انحصارات فراملی است، انترناسیونالیسم پرولتری، اتحاد و همبستگی زحمتکشان تمامی کشورها را در نبرد علیه ستم و سرمایه با احترام و پذیرش کثرت و تنوع آن ها طلب می کند؛ کسموپولیتیسیم به معنای بی وطنی است حال آن که انترناسیونالیسم پرولتری چیزی نیست به جز میهن دوستی بدون اعتقاد به برتری و رجحان وطن خویش بر موطن مردمان دیگر؛ اولی منابع و امکانات و استعدادهای مردمان و توده های ساکن در یک جغرافیای سیاسی را در خدمت انحصارات بین المللی و بورژوازی نیرومند خارجی می خواهد و دومی برپایه مناسبات برابر و عادلانه میان زحمتکشان ساکن در سرزمین های گوناگون شکل می گیرد؛ اولی مادر بورژوازی کمپرادور است و دومی خصم آن!

امروزه سیاست ها و شعارهای مربوط به «جهانی شدن» نمونه کاملی از ترجمه جهان وطنی امپریالیستی است. این سنخ سیاست ها در برابر خود، پاسخی از راست را بازآفرینی کرده که به اندازه خود جهانی شدن امپریالیستی، هولناک است: ناسیونالیسم افراطی، قوم گرایی و نژادپرستی. واضح است که تنها بدیل مترقی و انسانی در برابر دو روی سکه، وحدت زحمتکشان تمام کشورها در پرتو انترناسیونالیسم پرولتری است.

امپریالیسم و نژادپرستی

توسعه طلبی امپریالیستی به موازات گسترش خود و در یک تأثیر و تأثر دو سویه، برخی تئوری های شبه علمی را نیز تقویت کرد و در مقابل نیز از ترویج آنان بهره برد. از جمله این ایده ها، باورهای شرم آور مبتنی بر نژاد پرستی بود. این ایده در کنار تقویت شوونیسم در کشورهای متروپل و همچنین در سطوح بسیار پائین تری، تفکر مبتنی بر کسموپولیتیسیم در کشورهای پیرامونی، به توجیه خط مشی امپریالیستی یاری رساندند. در حقیقت غلبه بر مردمان «ضعیف تر» که از راه اعمال زور انجام می شد، این توهم را در نزد پیروزمندان ایجاد و تقویت کرد که این برتری به علت ویژگی های نژادی ملت پیروز است. اما از طرف دیگر هدایت ستیزه فزاینده طبقاتی در کشورهای متروپل به مجرای ستیز نژادی، کاملاً تأمین کننده منافع طبقات حاکمه بود (سوئیزی، ۱۳۵۸: ۳۳۲). امروزه نیز در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، مقصر قلمداد کردن مهاجران و اقلیت های قومی به عنوان پدیدآورندگان یا تشدیدکنندگان بحران های اجتماعی، بیکاری و غیره، دقیقاً در راستای منحرف کردن سویه طبقاتی اعتراضات توده ها است؛ بحران هایی که برآمده از ساختار و مناسبات سرمایه داری اند.

صدور سرمایه؛ اشکال و نتایج

صدور سرمایه فقط برای حل بحران و یا به دلیل محدودیت موقعیت های سرمایه گذاری در کشور متروپل و تحت فشار سرمایه مازاد انجام نمی شود. بدیهی است که سود، این موتور محرکه سرمایه داری، است که هدف اساسی صدور سرمایه است. انتقال سرمایه به سه شکل انجام می شود؛ کمک های بلاعوض؛ بدهی ها؛ سرمایه گذاری ها؛ اول. کمک های بلاعوض وجوهی است که یک کشور به صورت رایگان به کشور دیگر اعطا می کند و به صورت معمول متضمن رعایت شروطی (سیاسی، اقتصادی و ...) از سوی کشور دریافت کننده کمک است. دوم. صدور سرمایه به شکل بدهی ها به صورت اوراق قرضه (چه دولتی و چه خصوصی) و نیز پرداخت وام به دولت ها و همچنین مؤسسات خصوصی که هدف این شکل از صدور سرمایه دریافت بهره ثابت و تضمین شده است. سوم. به صورت سرمایه عامل که بی واسطه و توسط صاحبان سرمایه در بخش های مختلف کشور مقصد، به کار گرفته می شود و انحصارات خارجی خود مستقیماً به استثمار نیروی کار ارزان قیمت در کشور مقصد مبادرت می کنند. در حقیقت در این جا با دو نوع صدور سرمایه مواجهیم: الف. مالکیت سهام یا سرمایه گذاری در پرتفوی - سبد سهام - به منظور بازده مالی و نه لزوماً کسب نفوذ مدیریتی و ایفای نقش تصمیم گیری و سیاست گذاری در آن بنگاه. ب. سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) که عبارتست از خرید سهام با هدف تأثیرگذاری مستمر بر مدیریت بنگاه اقتصادی مربوطه.

بسط و گسترش مناسبات سرمایه داری به شکلی «غیر طبیعی» در کشورهایی با اقتصاد عقب مانده، از آثار و نتایج صدور سرمایه بود. البته رشد و گسترش نیروهای مولده در این کشورها با سرعت و آهنگی متناسب با رشد مناسبات سرمایه داری انجام نشد (کازلف، ۱۳۶۰: ۴۵). زیرا اولاً به دلیل ارزان بودن نیروی کار در این کشورها، سرمایه صادر شده تمایل داشت تا در حد ممکن، تولید را با ترکیب ارگانیک پائین تر سامان دهد (مثلاً در بخش های معدن و کشاورزی و مواد خام) و ارزش افزوده بیشتری به چنگ آورد و ثانیاً سرمایه ملی کشورهای پیرامونی که قادر به رقابت با سرمایه های انحصاری وارد شده نبود، بیشتر در حوزه های دلالی، خدمات و ... به کار افتاد و اثر قابل توجهی در رشد نیروهای مولده نداشت. به علاوه بخش عمده سرمایه های خارجی در بخش های بازرگانی، بانکداری، بیمه و نظامی به کار گرفته می شد.

ارنست مندل در کتاب، علم اقتصاد گزارشی از وضعیت سرمایه گذاری در کشورهای پیرامونی را درج کرده است. (مندل، ۱۳۵۹: ۴۹۲). نگاهی به اختلاف سود حاصل از سرمایه گذاری در کشورهای پیرامونی با کشورهای متروپل بسیار جالب است:

سال	1951	1952	1953	1954	1955	1956	1957
شرکت‌های بلژیکی فعال در بلژیک	8.6%	9.4%	7.6%	7.2%	8.2%	9.4%	9.5%
شرکت‌های بلژیکی فعال در کنگو و رواندا-اوروندی	21.7%	24.3%	20.6%	19.3%	18.5%	20.1%	21%

همچنین مندل نتایج گزارش یک بررسی انجام گرفته پیرامون ۱۲۰ شرکت انگلیس را که در کشورهای خارجی سرمایه گذاری کردند، نقل می کند که در مدت پنج سال، سودی دو برابر سرمایه شان کسب کردند. به علاوه شرکت هائی که در بین سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ در کشورهای توسعه نیافته کار می کردند دست کم سی درصد بیش از شرکت هائی که در همان بازه زمانی در امریکا فعالیت می کردند، سود برده بودند.

از نتایج دیگر صدور سرمایه، تقویت الیگارش مالی، صنعت زدائی و نیز تخریب محیط زیست و منابع طبیعی(به علت انتقال صنایع آلاینده) را می توان نام برد. از مهم ترین اهداف و البته آثار صدور سرمایه، تحت انقیاد درآوردن کشورهای پیرامونی از راه تحمیل سیاست های اقتصادی خاص است. این بُعد از مسأله را می توان در عصر نئولیبرالیسم بخوبی مشاهده کرد: تحمیل و دیکته کردن سیاست های انقباضی از سوی نهادهای اقتصادی جهانی از جمله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی. همچنین دریافت تضمین های دولتی از اموال عمومی برای پرداخت وام به بخش خصوصی از ویژگی های این دوره است. نگاهی به بحران کشور یونان به دلیل ناتوانی در بازپرداخت وام های خارجی که عمدتاً به بخش خصوصی داده شده بود، از مثال های نمونه وار در این عرصه است.

البته نباید انکار کرد که جذب سرمایه خارجی تحت شرایطی می تواند مفید باشد؛ بسیاری از کشورهای توسعه یافته امروز از سرمایه های خارجی استفاده کرده اند اما نکته کلیدی آن است که پذیرش سرمایه باید کاملاً ضابطه مند و در کانال های برنامه ریزی شده انجام شود: به عنوان نمونه ایالات متحده تا آغاز جنگ اول جهانی بزرگ ترین واردکننده سرمایه خارجی بوده است، اما این سرمایه ها کاملاً تحت مدیریت «امریکائی» اداره می شده اند: یک مجله ملی گرای امریکائی در سال ۱۸۳۵ اعلام کرد: «ما هراسی از سرمایه خارجی نداریم؛ مشروط بر آن که تحت مدیریت امریکائی باشد» و حتی قانونی در ایالت ایندیانا در سال ۱۸۸۷ تصویب شد که مطابق آن دادگاه ها حق حمایت از بنگاه های خارجی را نداشتند و حتی از آن جالب تر آن که اندرو جکسون نه تنها از تمدید پروانه فعالیت دومین بانک بزرگ امریکا به علت میزان بالای مالکیت سهام خارجی در آن امتناع کرد بلکه به صراحت بیان کرد که: «اگر سهام بانک عمدتاً به دست شهروندان یک کشور خارجی بیفتد و ما متأسفانه با آن کشور درگیر جنگ شویم، در چه شرایطی قرار خواهیم گرفت؟ ... کنترل ارز ما، وصول وجوه دولتی ما و وابسته نگه داشتن هزاران شهروند ما، همه این ها بسیار هولناک تر و خطرناک تر از قدرت بحری و نظامی دشمن است. اگر قرار است بانکی داشته باشیم، ... باید صرفاً امریکائی باشد» (جنگ، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۷).

به عنوان دو نمونه دیگر می توان از کوریای جنوبی و تایوان نام برد که خلاف توصیه های اقتصاد دانان نئولیبرال، ضوابط سخت گیرانه ای را - خارج از مناطق آزاد صادراتی - برای سرمایه های خارجی وضع کردند. در حقیقت هیچ نمونه موفق از سرمایه گذاری خارجی برای کشور مقصد وجود ندارد مگر آن که خلاف تلاش ها و توصیه های

نئولیبرال ها نسبت به جهت دهی و قانون مند کردن این سرمایه ها اقدام کرده باشد. اما دقیقاً به این علت که این نوع محدودیت و نظارت ها، مانعی در راه اهداف صادرکنندگان سرمایه است، اینان کوشیده اند تا با تحمیل مقرراتی نظیر «توافقتنامه تمهیدات سرمایه گذاری خارجی در عرصه تجاری»، به واسطه سازمان تجارت جهانی، شروطی نظیر موازنه حساب ارزی یا صادرات را ممنوع کرده و اجازه اعمال مقررات و ضابطه مند کردن سرمایه های خارجی را تا حد امکان از کشور مقصد سلب نمایند.

هاجون چنگ، استاد دانشگاه کمبریج و اقتصاددان مخالف نئولیبرالیسم و اما هوادار سرمایه داری، با دیدگاهی مشابه گوته در فاست، سرمایه گذاری خارجی را «معامله با شیطان» می خواند که اگرچه ممکن است در کوتاه مدت مزایایی داشته باشد اما در دراز مدت احتمال دارد برای توسعه اقتصادی مضر باشد و به ظرفیت توسعه کشور میزبان لطمه بزند (همانجا، ۱۵۷).

بخش دوم این مطلب که وضعیت امپریالیسم و مؤلفه های آن به ویژه پس از جنگ دوم جهانی و نیز در قرن بیست و یکم را بررسی می کند به صورت مجزا منتشر خواهد شد.

برخی منابع

- اسمیت، استانسفیلد (۱۳۹۸)؛ *آیا روسیه امپریالیست است*؛ ترجمه داود جلیلی؛ دانش و مردم ۱۹؛ صص ۲۱۴-۲۲۰
- اشمیت، جان و دیگران (۱۳۹۶)؛ *امپریالیسم در قرن بیست و یکم*؛ ترجمه داوود جلیلی؛ گل آذین
- باتامور، تام و دیگران (۱۳۸۸)؛ *فرهنگنامه اندیشه مارکسیستی*؛ ترجمه ی اکبر معصوم بیگی؛ بازتاب نگار
- براند، میشل و هره را، رمی (۱۳۹۷)؛ *امپریالیسم دلار*؛ ترجمه احمد سیف؛ سایت نقد اقتصاد سیاسی؛ دسترسی خرداد ۹۹؛ <https://pecritique.com/>
- چنگ، هاجون (۱۳۹۲)؛ *نیکوکاران نابکار*؛ ترجمه میر محمود نبوی، مهرداد (خلیل) شهابی؛ کتاب آمه
- ساچکوف، بوریس (۱۳۶۲)؛ *تاریخ رئالیسم*؛ ترجمه محمدتقی فرامرزی؛ تندر
- سونیزی، پل (۱۳۵۸)؛ *نظریه تکامل سرمایه داری*؛ ترجمه حیدر ماسالی؛ تکاپو و دامون
- شهابی، خلیل و نبوی، میر محمود (۱۳۹۶)؛ *رسانه های جمعی در کنترل و تملک انحصاری ابرشرکت ها*؛ دانش و مردم ۱۳ و ۱۴؛ صص ۱۹۰-۱۹۳
- رهنما، سعید (۱۳۹۵)؛ *امپریالیسم نئولیبرال تازه ترین مرحله سرمایه داری*؛ سایت نقد اقتصاد سیاسی؛ دسترسی خرداد ۹۹؛ <https://pecritique.com/>
- کازلف، گ.آ. (۱۳۶۰)؛ *اقتصاد سیاسی شیوه تولیدی سرمایه داری امپریالیسم*؛ ترجمه مسعود اخگر؛ حزب توده ایران
- لنین، ولادیمیر ایلیچ (۱۳۸۴)؛ *امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه داری*؛ ترجمه مسعود صابری؛ طلایه پرسو
- مگداف، هری-کمپ، تامپ (۱۳۸۲)؛ *امپریالیسم تاریخ، تئوری، جهان سوم*؛ ترجمه و اقتباس هوشنگ مقتدر؛ کویر
- مندل، ارنست (۱۳۵۹)؛ *علم اقتصاد*؛ ترجمه هوشنگ وزیری؛ خوارزمی
- مندل، ارنست (۱۳۸۶)؛ *اقتصاد سیاسی*؛ ترجمه کمال خالق پناه؛ گل آذین
- هاروی، دیوید (۱۳۹۷)؛ *امپریالیسم نوین*؛ ترجمه مهدی داودی؛ ثالث

- هاروی، دیوید (۱۳۹۵)؛ *تاریخ مختصر نئولیبرالیسم*؛ ترجمه محمود عبدالله زاده؛ دات
- هیلفردینگ، رودولف (۱۳۹۳)؛ *سرمایه مالی پژوهشی در باب تازمتربین مرحله تحول سرمایه داری*؛ ترجمه احمد تدین؛ دنیای اقتصاد
- مومسن، ولفگانگ (۱۳۹۷)؛ *تئوری های امپریالیسم*؛ ترجمه کوروش زعیم؛ ورا